

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره سی و دوم و سی و سوم

بهار و تابستان ۱۳۸۲، صص ۵۸ - ۲۳

بررسی گرایشهای جدید نامگذاری در اصفهان از دیدگاه زبان‌شناسی

دکتر محمدتقی طیب* - بتول علینژاد**

چکیده

زبان به عنوان یک نظام نشانه‌ای با انتقال معنا به ایجاد، حفظ، تقویت یا تضعیف و قطع روابط بین انسانها می‌پردازد. لاینز (۱۹۷۷) معتقد است معنایی که زبان منتقل می‌کند بر سه دسته است: معنای توصیفی، معنای بیانی و معنای اجتماعی. در این میان «نامگذاری» به عنوان یک پدیده زبانی خود به نوعی منتقل‌کننده این معانی است، گرچه ممکن است در هر نامی یکی از این معانی برجستگی بیشتری پیدا کند و یا در هر دوره‌ای یکی از معانی ترجیح داده شده و سایر معانی و جنبه‌های نام کم‌رنگتر شود و سخنگویان یک زبان را به سمت انتخاب نامهایی که بیان‌کننده آن معناست سوق دهد. در این مقاله خواهیم دید که چگونه ضرورت‌های جدید فرهنگی مردم، خود را در نحوه نامگذاری نمایان می‌سازد و چگونه فرد با حفظ ارزشهای پیشین با انتخاب نام به نیاز «به‌روز شدن» و «متجدد به‌نظر رسیدن» پاسخ می‌گوید و همه معنای توصیفی، بیانی و حتی نمادین را در جهت انتقال معنای اجتماعی به خدمت می‌گیرد.

*- دانشیار گروه ادبیات فارسی و زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان.

** - استادیار گروه ادبیات فارسی و زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان.

در این مقاله خواهیم دید که نام در جامعه ما صرفاً ابزار خطاب یا اشاره صرف به پدیده‌های عالم هستی نیست، بلکه فارسی‌زبانان با انتخاب نام و نحوه نامگذاری بر پدیده‌های جهان، رابطه خود را نیز با آنها تعریف می‌کنند. در این مقاله سعی داریم به جنبه‌های مختلف زبانی - فرهنگی نام پسران و دختران در استان اصفهان پردازیم و سیر تحول نامگذاری در ایران را طی سه دهه اخیر (حدود ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰) بررسی نموده و به شفاف‌سازی گرایشهای فرهنگی جامعه که خود را در قالب نام پنهان نموده‌اند پردازیم. ادعای این مقاله بر این است که به دلیل گسترش فرهنگی بسیار ساری و جاری که در جامعه کنونی ایران به چشم می‌خورد که خود ناشی از پیشرفتهای ارتباطی چشمگیری است که در جهان امروز به وجود آمده، یافته‌های این تحقیق تا حد زیادی به کل کشور ایران قابل تعمیم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

نام و نامگذاری، معانی توصیفی، بیانی، ریشه‌شناختی، نمادین، ارجاعی، اجتماعی، ویژگیهای موسیقایی و زیباشناختی

مقدمه

با اطمینان نمی‌توان گفت که انسان از چه تاریخی به اهمیت نامگذاری پی برده است؛ ولی آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که این عمل به قدمت شکل‌گیری خود زبان است. انسان اولیه متوجه شد که ایجاد ارتباط با دیگران فقط از طریق اشاره کافی نیست، چون اشاره فقط می‌توانست چیزهایی را که به طور مستقیم در محیط مشترک آنها حضور دارند، مشخص کند. اگر خطر در جای دیگری در کمین بود و یا فرد دیگری را تهدید می‌کرد، او نمی‌توانست با کمک اشاره دیگران را مطلع سازد، هنگامی که انسان به اهمیت این مسأله پی برد که باید به همه چیزهای مهم و تکرارشونده اطرافش نامی اختصاص دهد، نه تنها توانست به چیزهایی که در حوزه دیدش قرار ندارند، اشاره کند و با دیگران ارتباط لازم را برقرار کند، بلکه توانست به یک آرامش درونی نیز دست یابد.

آرتور بر این باور است که: «با دانستن نام یک چیز، احساسی غیرقابل توجیه در انسان پیدا می‌شود که حالت مرموز آن شیء را به نوعی کشف و از این طریق بر آن تسلط می‌یابد. این مسأله نه تنها در جوامع ابتدایی، بلکه در فرهنگهای معاصر نیز صدق

می‌کند، وقتی پزشک برای بیماری ما نامی پیدا می‌کند، به خودی خود نوعی آرامش در انسان ایجاد می‌شود.» (۱ / ص ۲۶۹).

بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد نام برای انسان ارزش و اعتبار روانی ایجاد می‌کند. در این مقاله توجه خود را به نامگذاری فرزندان معطوف خواهیم کرد و خواهیم دید که انسان چگونه از نام برای انتقال امیال، آرزوها و نگرشهای فرهنگی خود بهره می‌برد. به‌طور مثال «قبل از اسلام، اعراب جنگجو و مبارز برای آنکه در دل دشمنان خود رعب و وحشت بیندازند، اسامی حیوانات وحشی را بر روی فرزندان خود می‌نهادند مانند: آسامه و حمزه: شیر درنده و عابس: شیر، فهد: یوزپلنگ» (۲ / ص ۲۱).

در جوامع انگلیسی زبان بسیاری از نامها بین انسان و حیوان مشترک است (مانند نام JOE که می‌تواند نام یک سگ یا نام یک مرد باشد). احتمالاً به‌همین دلیل لاینز و بسیاری از معناشناسان و حتی فلاسفه بر این اعتقادند که: «نامهای خاص در زبانهایی مانند انگلیسی معنای توصیفی ندارند. ناپلئون می‌تواند نام پدیده‌های بسیار متفاوتی مانند انسان، حیوان، کشتی و... باشد که هیچ وجه اشتراکی با هم ندارند، اما فقط یکی از چیزهایی که نام ناپلئون داشته باشد دارای مفهومی است که با آن تداعی می‌شود و در فرهنگهای مختلف به‌کار می‌رود. با این حال با توجه به نحوه عملکرد نامگذاری و آمیخته‌شدن آن با سایر آداب و رسوم فرهنگی نام در جوامع مختلف منزلت متفاوتی پیدا می‌کند» (10 / P. 295).

لاینز (۱۹۷۷) معتقد است که «اسمهای خاص می‌توانند در زبان نقشهای ارجاعی، شبه ارجاعی و خطابی داشته باشند، اما مفهوم ندارند یا به‌عبارتی فاقد نوعی از معنا هستند که بتواند آنها را به‌عنوان یک طبقه از اسمهای عام جدا کند. با این حال اسمهای خاص می‌توانند دارای معنای نمادین، ریشه‌شناختی یا ترجمه‌ای باشند. به‌هر حال به‌نظر می‌رسد همین معانی نام است که در فرهنگهای مختلف ارزشهای متفاوتی را برای آن می‌آفریند. در واقع نام به‌عنوان یک دال^۱ معانی و ارزش خود را تا حد زیادی از رابطه‌ای که با مدلول^۲ اولیه خود برقرار می‌سازد کسب می‌کند» (9 / P. 223).

منشأ ارزش و اعتبار نام در فرهنگ ایرانی

ایرانیان در انتخاب نام حساسیت زیادی از خود نشان می‌دهند. به جرأت می‌توان گفت که این امر ریشه در تعالیم اسلامی دارد. احادیث و روایات زیادی در دست است که به اهمیت انتخاب نام خوب برای فرزند تأکید می‌کند، از جمله: حضرت علی (ع) فرموده است: «اولین نیکی پدر به فرزند خود این است که او را به اسمی نیک و زیبا نامگذاری کند، البته مراقب باشید اسم خوبی برای فرزند خود انتخاب کنید.» (کافی / ج ۶، ص ۱۸ به نقل از ۵).

نام در حیات اجتماعی فرد نقش بسزایی دارد. همان‌طور که انسان از نظر ظاهر علاقه‌مند به زیبایی و آراستگی است در مورد نام هم پیرو همین طرز فکر می‌باشد. نام نامناسب باعث حقارت و شرمندگی و انزوای فرد می‌شود، برعکس نام خوب، زیبا و مناسب بدون هیچ احساس شرم و با کمال افتخار بیان می‌گردد و حتی باعث برانگیخته شدن حس احترام افراد نسبت به دارنده نام می‌شود. از امام رضا (ع) نقل شده است: «هرگاه نام فرزندی را محمد نامیدید، او را احترام و تکریم کنید، در مجالس برای او جا باز کنید و روی خود را برای او زشت و گرفته نگردانید» (۵ / ص ۴۰) به هر حال انتخاب نام مذهبی به‌خصوص نام پیامبر اسلام و بزرگان دین در اولویت قرار دارد و در افراد مسلمان معتقد باعث برانگیخته شدن حس احترام نسبت به فرد می‌گردد. از سوی دیگر خود فرد هم گاهی از نام خود تأثیر می‌پذیرد، کسی که نام مقدسی دارد به نوعی دچار حس مسؤولیت و وظیفه می‌شود و همین امر گاهی او را از خطا و اشتباه دور می‌سازد و در رفتار و سکنات او تأثیر می‌گذارد.

مسئله جالب دیگر در مورد ارزش نام در جامعه ما این است که وقتی فرد دارنده نام مقدسی باشد، گاهی حتی طرف مقابل او هنگام صحبت برای تأکید بر گفته خود به نام او قسم می‌خورد؛ به‌طور مثال اگر اسم فرد محمد باشد وقتی کسی به مخاطب خود می‌گوید: به «اسمت قسم!» یا به «جدت قسم!» (اگر سید باشد) همین امر به ایجاد و تسهیل رابطه مناسب تعاملی می‌انجامد و مخاطب را غافلگیر می‌کند به طوری که دیگر نمی‌تواند واکنشی از خود نشان دهد و (در اکثر مواقع) قانع می‌شود. بدین ترتیب می‌بینیم نام در زبان فارسی علاوه بر نقشهای خطابی و ارجاعی که به‌طور کلی برای نام در زبان مفروض است، دارای نقش تعاملی^۱ و بینافردی^۲ نیز می‌باشد.

گرایشهای نامگذاری ایرانیان در گذشته و حال

اگر بپذیریم که انسان معمولاً نام اشخاص، اشیاء یا پدیده‌های مورد علاقه‌اش (معنای نمادین) را برای نامیدن افرادی که دوستشان دارد و برایش مهم هستند انتخاب می‌کند و یا ویژگیهای خاصی در خود نام مانند ویژگیهای آوایی یا معنایی (معنای ریشه‌شناختی) انگیزش کافی جهت انتخاب آن نام را برای فرد فراهم می‌کند، بررسی فراوانی نامهای یک زبان در دوره‌ای خاص به خوبی می‌تواند گرایشهای فرهنگی فرد و جامعه را در آن زمان مشخص کند. دسترسی به گنجینه نامهای یک زبان مشکل نیست. چند کتاب و مقاله (اینترنتی) می‌تواند مجموعه نامهای زبان فارسی را در اختیار ما بگذارد (۲ و ۵)، ولی این نوع منابع فقط نامهای بالقوه در زبان فارسی را فهرست کرده‌اند، حتی بسیاری از آنها ممکن است به‌ندرت مورد استفاده قرار بگیرند. بنابراین منابع یاد شده در مورد اینکه چه نامهایی بیشترین فراوانی را دارند و یا جزء نامهای فعال و زنده زبان محسوب می‌شوند چیزی به ما نمی‌گویند. تنها مقاله‌ای که در این زمینه می‌تواند به ما کمک کند مقاله‌ای است با نام «مقایسه تنوع نامهای زنان و مردان ایرانی» (۴). در این مقاله سه هزار نام قبول‌شدگان کنکور ۱۳۶۹ مورد بررسی قرار گرفته است (۱۵۰۰ نفر به طور مساوی از دو جنس). یافته‌های این مقاله و نتایجی که از نامهای فهرست شده آن به دست می‌آید تا حد نسبتاً زیادی مبنای تشخیص گرایشهای نامگذاری ایرانیان در گذشته (حدود سه دهه قبل) قرار گرفته است. به دلیل اینکه افرادی که در آن سال مجاز به شرکت در کنکور بودند حداقل هجده سال سن داشتند و نامهای آنها نشان‌دهنده گرایشهای والدین و یا جامعه آنها در قبل از سال ۱۳۵۰ می‌باشد. پر واضح است که دلیل توجه ما به این مقاله صرفاً به دست آوردن دیدگاهی در مورد نحوه نامگذاری در قبل از سه دهه گذشته بوده است و این حکم صدرصد و قطعی نیست.

برای انجام یک مقایسه تحلیلی در مورد گرایشهای جدید ایرانیان در نامگذاری نمی‌توانستیم یک بررسی آماری مانند کار میرخلیل‌زاده انجام دهیم، یعنی سه هزار نام قبول‌شدگان کنکور ۱۳۸۰ را مورد مطالعه قرار دهیم چون این کار در مورد گرایشهای جدید در نامگذاری چیزی به ما نمی‌گوید، بلکه در مورد گرایشهای نامگذاری حداقل هجده سال قبل والدین این افراد می‌تواند دستاوردهایی برای ما داشته باشد. به همین دلیل، ضمن هماهنگی با اداره کل ثبت احوال استان اصفهان توانستیم به اطلاعات جدید در زمینه نامگذاری دسترسی پیدا کنیم (همه نامهای انتخاب شده در سال ۱۳۷۷ و نامهای تغییر یافته از مهرماه تا دی‌ماه ۱۳۸۰). یافته‌های ما در این مقاله در مورد استان

اصفهان اعم از شهرها و روستاهای این استان معتبر است، ولی به دو دلیل ادعا داریم که یافته‌های ما می‌تواند به کل ایران تعمیم یابد. اول اینکه همه آنهايي که در اصفهان زندگی می‌کنند اصفهانی نیستند و اصفهان به دلیل برخورداری از موقعیت صنعتی و دانشگاهی و حتی توریستی، ایرانیان را از اقصی نقاط کشور در خود جای داده است و در واقع یک جامعه چند فرهنگی^۱ به حساب می‌آید و دوم آنکه به دلیل گسترش امر ارتباطات به وسیله رادیو، تلویزیون و... نشئت فرهنگی بین جوامع موجبات یکدستی سلیقه‌ها و دیدگاه‌های فرهنگی به خصوص در مورد انتخاب نام فراهم آمده است.

البته لازم است اقرار کنیم که هم به مقاله میرخلیل‌زاده و هم به مقاله حاضر از نظر جامعه آماری ایرادهایی وارد است از جمله اینکه در مقاله میرخلیل‌زاده سه هزار نام کوچک استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. با بررسی این تعداد نام کوچک افراد یک جامعه بزرگ نمی‌توان حکمی کلی برای نامهای افراد آن جامعه صادر کرد. در این مقاله نیز اگر چه اطلاعات دقیقی در مورد استان اصفهان مبنای تحلیل قرار گرفته است ولی نمی‌تواند نماینده دقیقی از گرایشهای کل جامعه ایران باشد.

با تمام ایرادهایی که از نظر تفاوت جامعه آماری ممکن است بر این دو مقاله وارد باشد، ولی به دو دلیل اساسی این نوع مطالعات بسیار با ارزش می‌نماید: اول اینکه حداقل در استان اصفهان سالانه حدود ۶۰۰۰۰ کودک به دنیا می‌آیند. مشخص است که بررسی نامهای انتخاب شده و استخراج اطلاعات مربوط به کل کشور تا چه اندازه مشکل و غیرممکن خواهد بود و احتیاج به یک برنامه پژوهشی وسیع تر دارد. اینجاست که همین مقدار اطلاعات و بررسی‌های محدود در این حوزه بسیار وسیع با ارزش می‌نماید. دوم اینکه ما در این مقاله نمی‌خواهیم در مورد روند نامگذاری در ایران حکم کلی صادر کنیم بلکه درصدد پی بردن به گرایشهای جدید در زمینه انتخاب نامهای کوچک افراد هستیم، بدین ترتیب به نظر می‌رسد شاید پر بی راه نباشد که نتایج حاصل از آن را به عنوان نوعی استقرار ناقص معتبر بدانیم.

بررسی تطبیقی جدولها

بر اساس اطلاعاتی که از استان اصفهان به دست آورده‌ایم جدولهایی تهیه شده است که در نهایت یافته‌های آن در صورت مشابه بودن با نتایج مقاله میرخلیل‌زاده مقایسه می‌گردد.

۱- مقایسه نامهای پسران و دختران از جهت گوناگونی نام

بر اساس جدول ۱ در سال ۱۳۷۷ در شهر اصفهان هر صد نفر پسر ۲/۸۹ نام و هر صد نفر دختر ۳ نام متفاوت دارند. بدین ترتیب مشخص می شود که تعداد نام دختران در شهر اصفهان (۱۱/۰) بیشتر از نام پسران می باشد. به نظر می رسد که در کل، میانگین تعداد نام برای پسران و دختران در شهرستانهای اصفهان چندان تفاوتی با هم ندارند. میرخلیل زاده نیز که نامهای قبل از سال ۱۳۵۱ را بررسی نموده است نظیر چنین نتیجه ای (۴/۰ درصد) را در میان نامهای مردان (۶/۲۴) و زنان (۲/۲۴) گزارش نموده است.

۲- مقایسه نام دختران و پسران شهر اصفهان از نظر زبانی

جهت مقایسه نامها از نظر زبانی، ۲۱ نام اول پسر و دختر که بیشترین فراوانی را در شهر اصفهان به خود اختصاص داده اند، در جدولهای ۲ تا ۴ آورده ایم. دلیل انتخاب ۲۱ نام اول این بوده است که تقریباً نصف جمعیت شهر را به خود اختصاص داده اند و همچنین ما را قادر می سازد تا یافته های این جدولها را به جدولهای مشابه در مقاله میرخلیل زاده مقایسه نماییم. بر اساس این جدولها می توان گفت:

۱- از کل ۲۱ نام اول پسران (جدولهای ۲ و ۳)، همه نامها ریشه عربی دارند. این نامها که نام ۷۴۱۴ نفر را تشکیل می دهند ۱۵/۵۹ درصد از کل جمعیت شهر اصفهان را به خود اختصاص داده اند. این امر نشان می دهد که بیشتر از نیمی از مردم اصفهان ترجیح می دهند که نام پسران آنها از زبان عربی انتخاب شود.

جدول ۱- تنوع نام سال ۱۳۷۷

ردیف	نام شهرستان	تعداد نامها		جمعیت		میانگین نامها		درصد نامها	
		پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر
۱	چادگان	۷۷	۹۲	۳۵۵	۳۲۹	۴/۲۷	۳/۸۵	۲۳/۴۰	۲۵/۹۱
۲	کاشان	۱۷۵	۱۷۰	۲۱۵۳	۲۱۸۸	۱۲/۵۰	۱۲/۶۶	۷/۹۹	۷/۸۹
۳	اصفهان	۳۶۳	۳۶۳	۱۲۵۳۳	۱۲۰۸۰	۳۴/۵۲	۳۳/۲۷	۲/۸۹	۳
۴	میاندشت	۶۵	۶۸	۲۲۰	۲۳۲	۳/۳۸	۳/۴۱	۲۹/۵۴	۲۹/۳۱

جدول ۲- نمایش ۲۱ نام پسر با بیشترین فراوانی، درصد فراوانی، زبان و تنوع موضوعی در شهر اصفهان ۱۳۷۷

ردیف	نام	فراوانی	درصد فراوانی براساس کل جمعیت	زبان	مذهبی	غیرمذهبی
۱	علی	۱۱۰۰	۸/۷۷	عربی	×	
۲	محمد	۹۲۴	۷/۳۷	عربی	×	
۳	مهدی	۸۹۱	۷/۱۰	عربی	×	
۴	علیرضا	۷۱۷	۵/۷۲	عربی	×	
۵	امیرحسین	۵۲۶	۴/۱۹	عربی	×	
۶	حسین	۴۵۱	۳/۵۹	عربی	×	
۷	محمدرضا	۴۳۴	۳/۴۶	عربی	×	
۸	رضا	۳۵۹	۲/۸۶	عربی	×	
۹	محمدحسین	۳۵۴	۲/۸۲	عربی	×	
۱۰	محمدمهدی	۲۰۶	۱/۶۴	عربی	×	
۱۱	عرفان	۲۰۱	۱/۶۰	عربی		×
۱۲	سجاد	۱۸۶	۱/۴۸	عربی	×	
۱۳	متین	۱۸۲	۱/۴۵	عربی	×	
۱۴	محمدجواد	۱۷۶	۱/۴۰	عربی	×	
۱۵	محسن	۱۷۵	۱/۳۹	عربی	×	
۱۶	ابوالفضل	۱۴۱	۱/۱۲	عربی	×	
۱۷	میلاد	۱۳۷	۱/۰۹	عربی	×	
۱۸	امیر	۱۲۸	۱/۰۲	عربی	×	
۱۹	سعید	۱۲۱	۰/۹۶	عربی	×	
۲۰	حامد	۱۲۰	۰/۹۵	عربی	×	
۲۱	احمدرضا	۱۱۹	۰/۹۴	عربی	×	
	جمع	۷۶۴۸	۶۱/۰۲			

جدول ۳- تنوع نام از نظر زبان و منبع و درصد آنها در میان ۲۱ نام اول پسران شهر اصفهان ۱۳۷۷

ردیف	زبان و منبع نام	تعداد	تعداد نفرات در میان ۲۱ نام	درصد در میان ۲۱ نام	درصد در میان کل جمعیت
۱	عربی و مذهبی	۲۰	۷۴۴۷	۹۷/۳۷	۵۹/۴۱
۲	عربی و غیرمذهبی	۱	۲۰۱	۲/۶۲	۱/۶۰
۳	فارسی و غیر مذهبی	—	—	—	—
۴	زبانهای دیگر	—	—	—	—

۲- از کل ۲۱ نام اول دختران تعداد ۱۵ نام عربی و ۵ نام فارسی و ۱ نام یونانی است (جدولهای ۴ و ۵). این نامها متعلق به ۶۶۳۰ نفر هستند که حدود نیمی از جمعیت متولدین دختر سال ۱۳۷۷ را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان ۷۳/۷۵ درصد نامها از زبان عربی و مذهبی و ۱۱/۲۳ عربی و غیرمذهبی هستند که در مجموع می‌توان گفت ۸۴/۹۸ درصد نامها از میان ۲۱ نام از زبان عربی انتخاب شده‌اند و ۱۲/۹۸ درصد از زبان فارسی و ۱/۹۹ درصد از زبانهای دیگر (یونانی) بوده‌اند. بدین ترتیب مشخص می‌شود که بین انتخاب نامهای پسران و دختران در شهر اصفهان تفاوت اساسی مشاهده می‌شود، حداقل می‌توان گفت درصد نامهای پسران بیشتر از زبان فارسی انتخاب شده‌اند، در میان ۲۱ نام ۱۲/۸۹ درصد و در میان کل جمعیت اصفهان ۷/۱۲ بوده است. مقایسه یافته‌های این جدولها هم در مورد نامهای پسران و دختران با یافته‌های مقاله میرخلیل‌زاده (۴) مطابقت می‌کند. او نتیجه‌گیری کرده است که «ایرانیان از اسامی فارسی برای نامگذاری پسران خود بسیار کمتر استفاده می‌کنند تا برای نامگذاری دختران. به هر صورت اسامی عربی بیشترین گوناگونی را دارد و بیشترین تعداد افراد را در بر می‌گیرد، چه در مورد زنان و چه در مورد مردان. اسامی فارسی نیز در درجه دوم فراوانی هستند. اما در مورد اسامی غیرعربی و غیرفارسی تنوع زبانی در اسامی زنان بیشتر از تنوع زبانی در اسامی مردان است.»

جدول ۴- نمایش ۲۱ نام دختر با بیشترین فراوانی، درصد فراوانی، زبان و تنوع موضوعی در شهر اصفهان ۱۳۷۷

ردیف	نام	فراوانی	درصد فراوانی	زبان	مذهبی	غیرمذهبی
۱	فاطمه	۱۴۱۵	۱۱/۷۱	عربی	×	
۲	زهرا	۱۴۰۶	۱۱/۶۳	عربی	×	
۳	مریم	۵۶۷	۴/۶۹	عربی	×	
۴	مانده	۳۲۰	۲/۶۴	عربی	×	
۵	فائزه	۲۷۷	۲/۲۹	عربی	×	
۶	مرضیه	۲۳۴	۱/۹۳	عربی	×	
۷	مهسا	۲۲۵	۱/۸۶	فارسی		×
۸	محدثه	۲۱۴	۱/۷۷	عربی	×	
۹	نرگس	۱۹۹	۱/۶۴	فارسی		×
۱۰	سارا	۱۹۰	۱/۵۷	عربی	×	
۱۱	زینب	۱۸۰	۱/۴۹	عربی	×	
۱۲	پریسا	۱۶۱	۱/۳۳	فارسی		×
۱۳	ریحانه	۱۶۱	۱/۳۳	عربی	×	
۱۴	نیلوفر	۱۵۸	۱/۳۰	فارسی		×
۱۵	شقایق	۱۵۳	۱/۲۶	عربی	×	
۱۶	حانیه	۱۳۹	۱/۱۵	عربی	×	
۱۷	عاطفه	۱۳۸	۱/۱۴	عربی	×	
۱۸	کیما	۱۳۲	۱/۰۹	یونانی		×
۱۹	الهام	۱۲۳	۱/۰۱	عربی	×	
۲۰	سحر	۱۲۰	۰/۹۹	عربی	×	
۲۱	مینا	۱۱۸	۰/۹۷۶	فارسی	×	
	جمع	۶۶۳۰	۵۴/۸۸			

جدول ۵- تنوع نام از نظر زبان و منبع و درصد آنها در میان ۲۱

نام اول متولدین دختر شهر اصفهان ۱۳۷۷

ردیف	زبان و منبع نام	تعداد نام	تعداد نفرات در میان ۲۱ نام	درصد در میان ۲۱ نام	درصد در میان کل جمعیت
۱	عربی و مذهبی	۱۰	۴۸۹۰	۷۳/۷۵	۴۰/۴۸
۲	عربی و غیرمذهبی	۵	۷۴۷	۱۱/۲۳	۶/۱۸
۳	فارسی و غیرمذهبی	۵	۸۶۱	۱۲/۹۸	۷/۱۲
۴	زبانهای دیگر (یونانی)	۱	۱۳۲	۱/۹۹	۱/۰۹

۳- مقایسه نامهای پسران و دختران اصفهانی از نظر منابع نامگذاری

۱- بر اساس جدول ۶ که ده نام اول پسران در مقاله میرخلیلزاده، شهر و استان اصفهان آمده است، می توان به خوبی مشاهده کرد که در هر سه مورد همه نامها از منبع مذهبی انتخاب شده اند. و بر اساس جدول ۷ که ده نام اول دختران به همان ترتیب آمده است، گوناگونی بیشتری را از نظر منابع نامگذاری مشاهده می کنیم. بدین ترتیب مشخص می شود در استان اصفهان اسامی دختران بیشتر از منابع مذهبی انتخاب شده است تا در شهر اصفهان، اما به هر حال در هر دو مورد اسامی غیرمذهبی در نام دختران بیشتر از نامهای پسران است. در جدول ۲، ۲۱ نام پسر شهر اصفهان با بیشترین فراوانی نشان داده شده است. در این میان فقط نام عرفان غیرمذهبی در نظر گرفته شده است و دارای فراوانی ۲۰۱ نفر در میان ۲۱ نام و ۱/۶۰ درصد در میان کل جمعیت شهر اصفهان می باشد. بقیه ۲۰ نام پسران همه مذهبی بوده و در میان ۲۱ نام دارای ۹۷/۳۷ درصد فراوانی و در کل جمعیت ۵۹/۴۱ درصد می باشد (جدول ۳).

در جدولهای ۴ و ۵ که ۲۱ نام دختر شهر اصفهان با بیشترین فراوانی آمده است نامهای غیرمذهبی جمعاً ۱۷۴۰ نفر و دارای درصد فراوانی ۲۶/۲۴ در میان ۲۱ نام و در کل جمعیت شهر اصفهان ۱۴/۴۰ درصد می باشد. بدین ترتیب می بینیم که در شهر اصفهان نامهای مذهبی دختران ۴۰/۴۸ درصد کل جمعیت اصفهان را تشکیل می دهند، ولی نامهای غیرمذهبی ۱۴/۴۰ درصد را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۶- اسامی مردان به ترتیب تعداد و درصد فراوانی ده نام اول

سال ۱۳۷۷ شهر اصفهان		سال ۱۳۷۷ استان اصفهان		قبل از سال ۱۳۵۱		ردیف	نام
تعداد درصد	نام	تعداد درصد	نام	تعداد درصد	نام		
۱۱۰۰	علی	۲۶۳۷	علی	۸۶	علی	۱	علی
۹۲۴	محمد	۲۵۳۱	محمد	۷۸	محمد	۲	محمد
۸۹۱	مهدی	۲۰۸۲	مهدی	۷۲	حسین	۳	حسین
۷۱۷	علیرضا	۱۷۷۸	علیرضا	۵۱	محمد رضا	۴	محمد رضا
۵۲۶	امیرحسین	۱۲۷۶	حسین	۴۴	حسن	۵	حسن
۴۵۱	حسین	۱۱۶۳	امیرحسین	۴۳	علیرضا	۶	علیرضا
۴۳۴	محمد رضا	۱۱۰۹	محمد رضا	۳۴	احمد	۷	احمد
۳۵۹	رضا	۱۰۵۸	رضا	۳۰	مهدی	۸	مهدی
۳۵۴	محمد حسین	۷۷۲	محمد حسین	۲۸	عباس	۹	عباس
۲۰۶	محمد مهدی	۵۶۲	محمد جواد	۲۵	محمود	۱۰	محمود

تعداد کل داده‌ها: ۱۵۰۰ تعداد کل متولدین پسر استان: ۳۰۸۰۴

تعداد کل متولدین پسر شهر: ۱۲۵۳۳

میرخلیل زاده نیز به چنین نتیجه‌ای رسیده است: «در مورد زنان اسامی غیرمذهبی بیشترین فراوانی را دارند. اما در مقایسه با اسامی مذهبی مردان، درصد کمتری از اسامی را تشکیل می‌دهند و این بدان معنی است که اعتقادات مذهبی تأثیر کمتری در نامگذاری دختران داشته است». این نتیجه‌ای است که ما هم به آن رسیده‌ایم.

آنچه در این میان جالب به نظر می‌رسد این است که در جدول ۶ نامهای علی، محمد، حسین، مهدی، علیرضا و محمد رضا در طول سه دهه کنونی همچنان پر بسامدترین نامها باقی مانده‌اند و با توجه به جدول ۷ نامهای زهرا، فاطمه، مریم و مرضیه در میان نام دختران ابقا شده‌اند.

جدول ۷- اسامی زنان به ترتیب تعداد و درصد فراوانی ده نام اول

ردیف	قبل از سال ۱۳۵۱		سال ۱۳۷۷ استان اصفهان		سال ۱۳۷۷ شهر اصفهان	
	نام	تعداد درصد	نام	تعداد درصد	نام	تعداد درصد
۱	زهرا	۸۷ / ۵/۸۰	فاطمه	۴۸۶۲ / ۱۶/۲۴	فاطمه	۱۴۱۵ / ۱۱/۷۱
۲	فاطمه	۸۲ / ۵/۴۰	زهرا	۴۱۱۳ / ۱۳/۷۴	زهرا	۱۴۰۶ / ۱۱/۶۳
۳	مریم	۸۲ / ۵/۴۰	مریم	۱۵۴۹ / ۵/۱۷	مریم	۵۶۷ / ۴/۶۹
۴	معصومه	۵۳ / ۳/۵۳	مرضیه	۷۵۵ / ۲/۵۲	مائده	۳۲۰ / ۲/۶۴
۵	لیلا	۳۶ / ۲/۴۰	زینب	۶۹۴ / ۲/۳۱	فائزه	۲۷۷ / ۲/۲۹
۶	فریبا	۲۷ / ۱/۸۰	فائزه	۶۱۷ / ۲/۰۶	مرضیه	۲۳۴ / ۱/۹۳
۷	زهره	۲۱ / ۱/۴۰	مائده	۵۸۳ / ۱/۹۴۸	مهسا	۲۲۵ / ۱/۸۶
۸	رؤیا	۱۹ / ۱/۲۶	محدثه	۵۸۱ / ۱/۹۴۱	محدثه	۲۱۴ / ۱/۷۷
۹	ظاهره، مرضیه	۱۹ / ۱/۲۶	مهسا	۴۷۳ / ۱/۵۸	نرگس	۱۹۹ / ۱/۶۴
۱۰	مهناز، میترا	۱۹ / ۱/۲۶	عاطفه	۴۰۱ / ۱/۳۳	سارا	۱۹۰ / ۱/۵۷

۴- منابع نامگذاری و دیدگاههای فرهنگی

با توجه به آنچه ذکر شد اسامی مذهبی و مفاهیم مربوط به آن یکی از منابع و در حقیقت مهمترین منبعی است که نامهای دختران و پسران از آن انتخاب می شود، اما در این میان می توان از منابع دیگری نیز نام برد که هر کدام بیانگر روحیات و دیدگاههای متفاوت انتخاب کننده آن می باشد. مهمترین منابع انتخاب نام در زیر آمده است: (ارقام داخل پراکنش در رو به روی هر نام نشان دهنده فراوانی آن در شهر اصفهان می باشد).

منابع انتخاب نام

- اسامی مذهبی و القاب وابسته به آنها مانند: فاطمه (۱۴۱۵)، راضیه (۱۱۴)، محدثه (۲۱۴)

- اسامی ملی و اسطوره ای مانند: سینا (۷۱)، نیما (۵۱)، خشایار (۱۸)، آرش (۴۲)

- اسامی واژگانی مانند: احسان (۱۱۷)، ایمان (۱۰۱)، نوید (۶۳)، آزاده (۱۱)، شکبیا (۴۷)
 - اسامی فرنگی مانند: نادیا (۱۵)، آنتا (۱۵)، آیدا (۱۶)، آتوسا (۱۶)
 - اسامی زیبایی شناختی: شقایق (۱۵۳)، نیلوفر (۱۵۸)، مهسا (۲۲۵)

فرد با انتخاب نام از میان هر کدام از این منابع به انتقال معنایی خاص می‌پردازد و در واقع تمایلات و نیات و آرزوهای خود را آشکار می‌سازد. نامها در یک فرهنگ خاص تداعی‌های خاصی کسب می‌کنند. این معانی ضمنی^۱ یک نام ممکن است از فردی به فرد دیگر فرق کند، ولی در مجموع می‌توان گفت اعضای یک فرهنگ خاص تداعی‌های مشترکی در مورد یک نام در ذهن دارند. به‌طور مثال با شنیدن نام نیلوفر یا شقایق، مهسا و پریسا همه به یاد زیبایی و لطافت می‌افتند و با شنیدن نامهای کوروش، داریوش و آرش بزرگی و عظمت ایران در خاطر ایرانیان زنده می‌شود. البته ذکر این نکته در اینجا ضروری است که در هنگام خطاب و نامیدن فرد این معانی در ذهن کمتر فعال می‌شود و به قول لاینز در هنگام خطاب معنای ارجاعی آن نام یعنی آن فرد خاص مورد نظر است نه معنا و مفهوم و معانی ضمنی آن نام که در زبان یا فرهنگ خاص مطرح است. بنابراین آنچه در اینجا در مورد معانی ضمنی و تداعی‌های خاص یک نام مطرح می‌کنیم به‌عنوان دلایل انتخاب نام ممکن است مطرح باشد، آنچنان که لاینز از قول سرل نقل کرده است (10 / P. 220) این معانی، پشتوانه توصیفی^۲ نام هستند که به‌طور منطقی با ویژگیهای اشیائی که به آنها اشاره می‌کنند در ارتباط هستند و می‌توانند اساسی برای انتخاب و کاربرد نام باشد و شکوه و عظمت، لطافت و زیبایی و... را نمادین سازند.

همان‌گونه که قبلاً گفتیم لاینز معتقد است نامهای خاص معنای ارجاعی دارند و مفهوم ندارند. ولی می‌توانند حامل معانی نمادین، ریشه‌شناختی و ترجمه‌ای باشند. در این قسمت بر آنیم که با توجه به آنچه لاینز مطرح کرده است، به معنادهی منابع انتخاب نام در زبان فارسی پردازیم تا بتوانیم در مورد اینکه فرد با انتخاب نام از هر کدام از این منابع به انتقال و آشکارسازی چه مفاهیمی می‌پردازد، دیدگاهی زبان‌شناختی به‌دست آوریم.

منظور ما از معنای ریشه‌شناختی معنایی است که برگرفته از ریشه کلمه است. لاینز در توصیف این معنا نام John را ذکر می‌کند که از یونانی و لاتین و آن هم از

یک کلمه عربی گرفته شده است که به معنای این است که «خداوند بخشنده است» (10 / P.221).

معنای نمادین آن نوع معناست که با معنای واژگانی^۱ کلمه بی ارتباط است و معنای خاصی را به ذهن افراد متبادر می سازد که بر اساس تجربه مشترک در جهان کسب کرده اند. به طور مثال اگر ما از شنیدن کلمه نیلوفر یا لاله معنای «زیبایی» به ذهنمان متبادر می شود ربطی به خود این کلمات ندارد. در واقع بسیاری از این کلمات شاید اصلاً معنای واژگانی نداشته باشند، اما بی معنا هم نیستند و ما با ارتباط دادن آنها به مدلول که گلهای زیبایی هستند، نوعی معنای نمادین را تداعی می سازیم.

معنای نمادین می تواند ارزشهای متفاوتی را منعکس کند. به طور مثال ما نام «محمد» یا «زهرا» را به علت معنای واژگانی آنها انتخاب نمی کنیم، بلکه به دلیل آنکه این نامها متعلق به بزرگان و پیشوایان دینی ماست و برایمان ارزشمند است، انتخاب می کنیم. اگر چه ممکن است معنای واژگانی و ریشه شناختی مثبتی نیز داشته باشند، اما معنای بسیاری از آنها برای عامه مردم شناخته شده نیست. بنابراین، این نوع نامها بیانگر معنای نمادین هستند و منتقل کننده ارزشهای تقدس و احترام می باشند.

اسامی ملی و اسطوره ای هم معنای نمادین دارند و حامل مفهوم اقتدار و عظمت هستند. به طور مثال از آنجایی که افرادی مانند داریوش، کوروش، سهراب یا رستم پادشاهان مقتدر و یا شخصیتهای اسطوره ای توانمندی بودند با انتخاب نام آنها فرد در واقع به نوعی، مفهوم بزرگی و عظمت را در نظر دارد.

اسامی فرنگی و خارجی نیز معنای نمادین دارند، ولی ارزشهایی که منتقل می کنند با ارزشهایی که نامهای مذهبی و ملی - اسطوره ای حامل آن هستند متفاوت است. از آنجایی که کشورهای خارجی به خصوص کشورهای غربی به عنوان کشورهای پیشرفته در جامعه ما مطرح هستند استفاده از نامهایی که در آنجا مرسوم است و یا رنگ و بوی فرنگی دارد نوعی اعتبار و پرستیژ به فرد می دهد و همین نوع معناست که فرد از انتخاب نام خارجی درک و احساس می کند. اسامی زیبایی شناختی آنها هستند که معنای نمادین آنها بیانگر زیبایی و لطافت است مانند نام گلها و موجودات زیبا، دسته دیگری از نامها که با عنوان اسامی واژگانی مطرح کردیم نامهایی را در بر می گیرد که

به دلیل معنای توصیفی^۱ انتخاب می‌شوند. به طور مثال وقتی کلمات امید، آرزو و شکیبا را انتخاب می‌کنیم به این دلیل است که این کلمات معنای مثبت و باارزشی در زبان دارند. این نوع کلمات از آنجایی که احساسات و عواطف‌گوینده را آشکار می‌سازند، دارای معنای بیانی^۲ نیز هستند.

بدین ترتیب با استفاده از معانی مختلف که در معناشناسی زبانی مطرح است می‌توانیم ارزشهای نهفته در نامها را آشکار سازیم. در جدول ۸ منابع انتخاب نام و ارزشهایی که منتقل می‌کنند، آمده است.

جدول ۸ - منابع انتخاب نام و ارزشهایی که منتقل می‌کنند

ردیف	منابع انتخاب نام	نوع معنا	نوع ارزش	مثال
۱	مذهبی، القاب	نمادین و ریشه‌شناختی	تقدس و احترام	محمد، علی، فاطمه، حسین
۲	ملی و اسطوره	نمادین	اقتدار و عظمت	داریوش، سینا
۳	اسامی فرنگی	نمادین	اعتبار و پرستیژ	آیتا، ماندانا
۴	واژگانی	توصیفی و بیانی	عواطف و احساسات	شکیبا، امید، آرزو، عادل
۵	زیبایی‌شناختی	نمادین	زیبایی و لطافت	بنفشه، نیلوفر

البته باید توجه داشت که این گونه نیست که یک نام صرفاً در یک گروه طبقه‌بندی شود و معنای دیگری نداشته باشد، به طور مثال نام «عاطفه» هم یکی از القاب فاطمه زهرا(س) دختر پیغمبر اسلام است و هم دارای معنای توصیفی «محبت و احساسات» است، در این صورت هم می‌تواند جزء اسامی مذهبی و هم واژگانی باشد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که فردی که این نام را انتخاب می‌کند به هر دو جنبه و معنای نام توجه داشته است و یا در انتخاب نام مذهبی به معنای توصیفی آن نیز توجه داشته است. اگر بخواهیم ۲۱ نام اول شهر اصفهان (جدول ۴) را از نظر منبع انتخاب نام بررسی کنیم جدول ۹ به دست می‌آید.

جدول ۹- منبع انتخاب ۲۱ نام اول دختران شهر اصفهان

ردیف	منبع انتخاب نام	نامهای دختر	جمع نمرات	درصد فراوانی در میان ۲۱ نام	درصد فراوانی در شهر اصفهان
۱	اسامی مذهبی و...	فاطمه، زهرا...	۴۸۹۰	۷۳/۷۵	۴۰/۴۸
۲	اسامی زیبایی شناختی	ترگس، ریحانه، نیلوفر، شقایق، مینا	۷۸۹	۱۱/۹۰	۶/۵۳
۳	اسامی واژگانی	پریسا، سحر، کیمیا سارا، الهام، مهسا	۹۵۱	۱۴/۳۴	۷/۸۷

و بر اساس جدول ۲ می توان ۲۱ نام اول پسران شهر اصفهان را بر اساس منبع انتخاب نام در جدول شماره ۱۰ نمایش داد.

جدول ۱۰- منبع انتخاب ۲۱ نام اول پسران شهر اصفهان

ردیف	منبع انتخاب نام	نامهای پسر	جمع نمرات	درصد فراوانی در میان ۲۱ نام	درصد فراوانی در شهر اصفهان
۱	مذهبی و...	علی، محمد، مهدی، ...	۶۷۵۹	۸۸/۳۷	۵۴
۲	اسامی واژگانی	عرفان، متین، میلاد امیر، سعید، حامد	۸۸۹	۱۲	۷

البته ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که اسامی واژگانی ذکر شده همه جنبه مذهبی دارند، ولی معنای توصیفی آنها برجسته تر به نظر می رسد. بر اساس این دو جدول مشخص می شود که بیشترین نامهای دختران و پسران از منبع مذهبی انتخاب شده اند (پسران بیشتر از دختران). اسامی واژگانی در دومین درجه منبع انتخاب نام دختران قرار دارد، در حالی که نامهای پسران با درصد کمتری از این منبع انتخاب می شوند. اسامی زیبایی شناختی به عنوان سومین منبع انتخاب نام برای دختران مطرح

است، در حالی که در نام پسران دیده نشده است (در میان ۲۱ نام). بدین ترتیب مشخص می‌شود که ایرانیان در انتخاب نام دختران معانی زیبایی‌شناختی و واژگانی را بیشتر لحاظ می‌کنند تا در نام پسران. با توجه به مسائلی که مطرح شد می‌توان با بررسی نامهایی که یک خانواده برای فرزندان خود انتخاب کرده است، به ویژگیهای ظریف فرهنگی و عقیدتی آنها پی برد، به طور مثال به نام فرزندان چهار خانواده واقعی زیر توجه کنید:

خانواده ۱: حسین و پرستو خانواده ۲: علی، رویا و نیما

خانواده ۳: عاطفه و عادل خانواده ۴: صغری، مریم، علی، هادی و مهدی.

خانواده ۱ نام پسر را از اسامی مذهبی و نام دختر را از اسامی زیبایی‌شناختی (نام پرند) انتخاب کرده است. می‌بینیم که اعتقادات مذهبی در مورد نام پسر اعمال شده است نه در رابطه با نام دختر. در خانواده ۲ نام پسر اول از اسامی مذهبی، نام دختر از اسامی واژگانی و نام پسر دوم از اسامی ملی انتخاب شده است. این تغییر در منبع انتخاب نام به نوعی می‌تواند نشان‌دهنده تغییرات بسیار ظریف در دیدگاههای فرهنگی این خانواده باشد. هنگام تولد پسر اول روحیه مذهبی این خانواده بسیار زیاد بوده است. هنگام تولد دختر روحیه مذهبی به اندازه‌ای نبوده که منجر به انتخاب یک نام مذهبی برای دختر شود و منبع انتخاب نام از اسامی مذهبی به اسامی واژگانی تغییر کرده است. هنگام تولد فرزند سوم کاملاً مشخص است که این روحیه مذهبی به یک روحیه ملی تبدیل شده است که به نوعی نشان‌دهنده افتخارات فرهنگی و ادبی می‌باشد. البته نمی‌توان ادعا کرد که این خانواده روحیه مذهبی خود را از دست داده است، ولی می‌توان گفت که این روحیه به شدت قبل و هنگام تولد فرزند اول نیست. خانواده ۳ یک تعادل فرهنگی را نشان می‌دهد. هر دو نام دختر و پسر تقریباً در یک راستا هستند. نام دختر گرچه از اسامی مذهبی است، ولی دارای معنای واژگانی نیز می‌باشد. نام پسر نیز یکی از صفات خداوند است، به علاوه اینکه دارای معنای واژگانی ارزشمندی نیز هست. خانواده ۴ که نام همه فرزندان را از اسامی مذهبی انتخاب کرده نیز نشان می‌دهد که این خانواده در طول مدتی که صاحب این فرزندان شده از روحیه مذهبی یکتواختی برخوردار بوده و شدت آن کم یا زیاد نشده است. بدین ترتیب مشخص می‌شود که با توجه به معانی و ارزشهای نهفته شده در نام می‌توان سیر تحول فرهنگی یک خانواده را در طول زمان بررسی کرد.

۴- بررسی نامهای پسران و دختران از نظر ویژگی ساخت ترکیبی

در این بخش روند گرایشهای ساختی را از نظر مرکب بودن نامها بررسی می‌کنیم و خواهیم دید که سیر گرایشهای فرهنگی چگونه در کمیت نام جلوه‌گر می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت نامهای کوچک مردان و زنان در زبان فارسی حداقل یک جزئی و حداکثر سه جزئی می‌باشند (طبق فرمول: $n \leq 3$) مانند: بی‌بی فاطمه بیگم. بررسی نامها در طی سه دهه اخیر تغییراتی را در اجزاء نشان می‌دهد. یعنی در کل شاهد کاهش نامهای دو جزئی هم از نظر تعداد و هم آمار نفقات آنها در شهر اصفهان هستیم.

در نامهای دختران در استان اصفهان ساخت مرکب مشاهده نمی‌شود. تنها نامی که به صورت دو جزئی مشاهده شده نام «فاطمه زهرا» است که نام ۵۲ نفر بوده است و درصد ۰/۴۳ را به خود اختصاص داده است. در کل می‌توان گفت که تعداد و فراوانی این نامها در میان نامهای دختران بسیار نادر است و مردم در انتخاب نام دختران بیشتر تمایل دارند که از نامهای تک کلمه‌ای استفاده کنند. مسأله جالب این است که در گذشته یعنی سه دهه قبل چنین روندی وجود نداشته است. بر اساس جدول ۱۱ نامهای ترکیبی در میان ۱۵۰۰ زن ۲۵ نام بوده است که درصد کل ۱/۶۶ را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که مشخص است روند نامگذاری در نامهای دختران به سوی ساده شدن از نظر ساختی و تک‌جزئی شدن پیش می‌رود. در کل به نظر می‌رسد از سه دهه قبل تا به حال نامهای پسران و دختران به سوی یک جزئی شدن پیش می‌رود در این میان می‌توان گفت در استان اصفهان نام دختران بجز یک مورد همه تک‌جزئی شده‌اند.

اگر به نامهای دو جزئی پسران توجه کنیم می‌بینیم یکی از اجزای آنها جزء اسامی مذهبی است. از مقایسه ده نام اول در مقاله میرخلیل‌زاده با ده نام شهر و استان اصفهان نتایج زیر در این رابطه به دست می‌آید: در اصفهان نامهای یک جزئی و دو جزئی (در پسران) بیشتر از ترکیب با نامهای محمد، علی و رضا ساخته شده‌اند. نامهایی که از ترکیب نام «محمد» ساخته شده‌اند، پر بسامدترین نامها به شمار می‌آیند (جدول ۶). در شهر اصفهان محمدرضا، محمدحسین و محمدمهدی و در استان اصفهان محمدرضا، محمدحسین و محمدجواد از پر بسامدترین نامها بوده‌اند. نام «رضا» نیز در علیرضا و محمدرضا هم در شهر و استان اصفهان و هم در مقاله میرخلیل‌زاده در ترکیب نامها دیده می‌شود.

جدول ۱۱- نامهای ترکیبی در میان ۱۵۰۰ نفر

ردیف	نام	تعداد	درصد فراوانی	ردیف	نام	تعداد	درصد فراوانی
۱	آمنه خانم	۱	۰/۰۶	۱۴	زهراسادات	۱	۰/۰۶
۲	آمنه خاتون	۱	۰/۰۶	۱۵	زهراناز	۱	۰/۰۶
۳	اعظم الملوک	۱	۰/۰۶	۱۶	ساره خاتون	۱	۰/۰۶
۴	بی بی حمیده	۱	۰/۰۶	۱۷	سعیده بیگم	۱	۰/۰۶
۵	بی بی زکیه	۱	۰/۰۶	۱۸	عزیزه بیگم	۱	۰/۰۶
۶	بی بی زهرا	۱	۰/۰۶	۱۹	فاطمه بیگم	۱	۰/۰۶
۷	بی بی فاطمه بیگم	۱	۰/۰۶	۲۰	فاطمه خاتون	۱	۰/۰۶
۸	بی بی مریم	۱	۰/۰۶	۲۱	گوهر تاج	۱	۰/۰۶
۹	بی بی ناهید	۱	۰/۰۶	۲۲	مریم بیگم	۱	۰/۰۶
۱۰	بی بی نجمه	۱	۰/۰۶	۲۳	مهرنوش فاطمه	۱	۰/۰۶
۱۱	حلیمه خاتون	۱	۰/۰۶	۲۴	نجماناز	۱	۰/۰۶
۱۲	زبیده خاتون	۱	۰/۰۶	۲۵	کنیز رضا	۱	۰/۰۶
۱۳	زهرا بی بی	۱	۰/۰۶				

تعداد: ۲۵ تعداد نفرات: ۲۵ درصد کل: ۱/۶۶

در اسامی فهرست شده در مقاله میرخلیل زاده مجموع نامهایی که با نام «محمد» ساخته شده‌اند، ۲۶ نام است که شامل ۱۳۱ نفر می‌شود و ۸/۷۳ درصد را در میان ۱۵۰۰ نفر نشان می‌دهد. تعداد این نوع نامها در استان اصفهان ۹۲ نام بوده است که شامل نام ۴۱۰۴ نفر و درصد ۱۳/۳۲ در کل جمعیت استان اصفهان می‌باشد و نشان‌دهنده این است که «محمد» امروزه یکی از فعالترین عناصر نام‌ساز است (جدول این نامها به دلیل خلاصه کردن حذف شده است).

در مقاله میرخلیل زاده نام علی و ترکیبات آن در میان ۱۵۰۰ نفر شامل ۱۳۷ نام و ۹/۱۳ درصد می باشد و در استان اصفهان در میان ۳۰۸۰۴ متولد پسر سال ۱۳۷۷ تعداد ۴۸۰۲ نام با کلمه «علی» ساخته شده اند و ۱۵/۵۸ درصد را به خود اختصاص داده اند. این آمارها نشان دهنده محبوبیت علی^(ع) و تأثیر آن در نامگذاری فرزندان است.

مورد دیگری از نامهای ترکیبی را که مورد بررسی قرار می دهیم نامهایی هستند که با استفاده از کلمه «امیر» ساخته شده اند. نام امیر در میان ۱۵۰۰ نفر به صورت ترکیبی در ۱۳ نام دیده شده که شامل نام ۱۳ نفر و ۰/۸۶ درصد می باشد. ۳۱ نام در استان اصفهان با نام امیر ساخته شده است که شامل نام ۱۵۴۲ نفر و ۵ درصد می باشد.

چنین نامهای ترکیبی با کلمات و نامهای دیگر مانند «رضا» و سایر ائمه نیز دیده می شود که همه اینها نشان دهنده گرایش مردم استان اصفهان به نامهای ترکیبی و طولانی برای پسران است که با نام ائمه و مقدسات دینی ساخته می شوند.

بدین ترتیب مشخص می شود که روحیه مذهبی ایرانیان در مورد انتخاب نام پسران تا حد زیر پا گذاشتن اصل اقتصاد زبانی پیش می رود چرا که بیان و ذکر دو نام احتیاج به صرف انرژی و وقت بیشتری دارد (البته با کاهش نسبی نسبت به سه دهه قبل).

۵- بررسی نامهای دختران و پسران از نظر ساخت آوایی
یکی دیگر از عواملی که می تواند انگیزه کافی برای انتخاب یک نام را فراهم آورد، ساختار موسیقایی^۱ نام است که می توان آن را در زمره جنبه های زیبایی شناختی نام به حساب آورد. در این میان بین نامهای کنونی دختران و پسران از یک طرف و بین این نامها و نامهایی که در سه دهه قبل انتخاب می شد از طرف دیگر، تفاوت موسیقایی معناداری مشاهده می شود. این تفاوت موسیقایی در هجای آخر نامهای پسران و دختران مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

در نام دختران: بر اساس جدول ۱۲ صدای «ā» در داده های میرخلیل زاده ۲۱/۲ درصد و با توجه به جدول ۱۴ در شهر اصفهان ۳۰/۹ درصد می باشد. صدای «ē»

در قبل ۳۴/۲۶ درصد و در حال حاضر ۳۹/۳۳ درصد است. صدای «i» در قبل ۱/۸۶ و در اصفهان ۰/۱۶ درصد می‌باشد. صدای «u» تغییر چندانی را از خود نشان نمی‌دهد (۰/۰۳ درصد افزایش). بدین ترتیب شاهد افزایش معناداری در دو مصوت «ā» و «e» هستیم. این افزایش به قیمت کاهش بسیار زیاد اسامی مختوم به صامت در نام دختران تمام شده است. بدین معنی که در گذشته نامهای مختوم به صامت ۴۱/۷۳ درصد و در حال حاضر در اصفهان ۲۹/۲۹ درصد می‌باشد.

جدول ۱۲- نام دختران بر اساس آوای پایانی در میان ۱۵۰۰ نفر

ردیف	صدا	تعداد نام	کل نام	درصد	تعداد نفرات	درصد	کل
۱	ā	۷۴	۳۶۳	۲۰/۳۸	۳۱۸	۲۱/۲	۱۵۰۰
۲	e	۱۱۰	۳۶۳	۳۰/۳۰	۵۱۴	۳۴/۲۶	۱۵۰۰
۳	I:	۱۴	۳۶۳	۳/۸۵	۲۸	۱/۸۶	۱۵۰۰
۴	u	۵	۳۶۳	۱/۳۷	۱۴	۰/۹۳	۱۵۰۰
۵	صامت‌ها	۱۶۰	۳۶۳	۴۴/۰۷	۶۲۶	۴۱/۷۳	۱۵۰۰

جدول ۱۳- نام پسران بر اساس آوای پایانی در میان ۱۵۰۰ نفر

ردیف	صدا	تعداد اسم	کل اسم	درصد	تعداد نفرات	درصد	کل جمعیت
۱	ā	۶۵	۳۶۹	۱۷/۶۱	۲۹۰	۱۹/۳۳	۱۵۰۰
۲	e	۱	۳۶۹	۰/۲۷	۱	۰/۰۶	۱۵۰۰
۳	I:	۴۱	۳۶۹	۱۱/۱۱	۲۱۷	۱۴/۴۶	۱۵۰۰
۴	u	۱	۳۶۹	۰/۲۷	۵	۰/۳۳	۱۵۰۰
۵	صامت‌ها	۲۶۱	۳۶۹	۷۰/۷۳	۹۸۷	۶۵/۸	۱۵۰۰

در نام پسران: با توجه به جدول ۱۳ و ۱۵ نامهای مختوم به صدای «ā» ۱۹/۳۳ درصد و در حال حاضر به ۴/۷۲ درصد کاهش یافته است. صدای «e» نیز از ۰/۰۶ به ۰/۰۰۷ درصد رسیده است. فقط صدای «i» از ۱۴/۴۶ به ۱۸/۹۶ افزایش یافته است. تغییر مهم دیگری که در نام پسران دیده می‌شود، افزایش صامت‌ها از ۶۵/۸ به ۷۶/۲۷ بوده است. بدین ترتیب می‌بینیم نامهای دختران در هجای پایانی ساختار موسیقایی خود را از طریق مختوم شدن به مصوت منتقل می‌کند.

جدول ۱۴- نام دختران بر اساس آوای پایانی در شهر اصفهان ۱۳۷۷

ردیف	صدا	تعداد نام	کل نام	درصد	تعداد نفرات	درصد به کل جمعیت	کل جمعیت
۱	ā	۱۰۳	۳۶۳	۲۸/۳۷	۳۶۴۸	۳۰/۱۹	۱۲۰۸۰
۲	e	۱۰۷	۳۶۳	۲۹/۴۷	۴۷۵۲	۳۹/۳۳	۱۲۰۸۰
۳	u	۸	۳۶۳	۲/۲۰	۱۱۷	۰/۹۶	۱۲۰۸۰
۴	o	۱	۳۶۳	۰/۲۷	۴	۰/۰۳۳	۱۲۰۸۰
۵	i:	۵	۳۶۳	۱/۳۷	۲۰	۱/۱۶	۱۲۰۸۰
۶	صامت‌ها	۱۴۴	۳۶۳	۳۹/۶۶	۳۵۳۹	۲۹/۲۹	۱۲۰۸۰

جدول ۱۵- نام پسران بر اساس آوای پایانی در شهر اصفهان ۱۳۷۷

ردیف	صدا	تعداد نام	کل نام	درصد	تعداد نفرات	درصد به کل جمعیت	کل جمعیت
۱	ā	۳۳	۳۶۳	۹/۰۹	۵۹۲	۴/۷۲	۱۲۵۳۳
۲	e	۱	۳۶۳	۰/۲۷	۱	۰/۰۰۷	۱۲۵۳۳
۳	u	—	—	—	—	—	۱۲۵۳۳
۴	o	۲	۳۶۳	۰/۵۵	۴	۰/۳۱	۱۲۵۳۳
۵	i:	۱۲	۳۶۳	۳/۳۰	۲۳۷۷	۱۸/۹۶	۱۲۵۳۳
۶	صامت‌ها	۳۱۵	۳۶۳	۸۶/۷۷	۹۵۵۹	۷۶/۲۷	۱۲۵۳۳

۶- مقایسه نام دختران و پسران از نظر گرایشهای معنایی

همان‌گونه که گفته شد، نام در جهت‌دهی رفتار و برخورد اطرافیان تأثیر بسزایی دارد. یک کلمه باید دارای ویژگیهای خاصی باشد تا شایستگی نام شدن پیدا کرده، مورد پذیرش جامعه قرار گرفته و رواج یابد. اگر نام دارای ویژگیهای معنایی منفی باشد موجب تحقیر و خوارشدن فرد می‌شود و دیگران با استفاده از نام، وی را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند. تعدادی از این افراد که به دلیل جنبه‌های معناشناختی نام اقدام به تغییر نام خود کرده‌اند در جدول ۱۶ آمده است:

جدول ۱۶- افرادی که به دلیل جنبه‌های معناشناختی اقدام به تغییر نام خود کرده‌اند

ردیف	نام قبلی	نام فعلی
۱	آواره	فیاض‌منش
۲	گوری	کبیری‌نیا
۳	توبه	رضایی‌راد
۴	کوچک‌زاده	صدری‌زاده
۵	دارکوب (کوبنده درخت)	حبیبی‌راد

به نظر می‌رسد آنچه لاینز (10 / P.275) در مورد قطبیت^۱ منفی و مثبت جفت متضاد در زبان مطرح می‌کند در انتخاب نام در زبان فارسی به انتخاب قطب مثبت جفت متضاد می‌انجامد. لاینز معتقد است که «انتخاب یکی از دو قطب متضاد در یک زبان بیانگر اهمیت و اولویت آن برای مردم است». از میان دو کلمه «خوب و بد» فقط کلمه «خوب» در احوالپرسی قطب شده است: «حال شما خوبه؟» در نامگذاری نیز همین جنبه معنایی را جاری می‌بینیم. از میان جفت متضاد «زشت و زیبا» فقط «زیبا» که جنبه مثبت دارد، نام شده است و از جفت متضاد «پاک و کثیف» فقط کلمه «پاک» در پاک‌نژاد و پاک‌نیت نهادینه شده است. اهمیت انتخاب قطب مثبت در نامگذاری آنقدر زیاد است

که افرادی که نامشان به نوعی منتقل‌کننده مفهوم منفی باشد، اگر هم نسبت به تغییر نام خود اقدام نکنند، همیشه از داشتن چنین نامی ناراحت و به نوعی سرخورده هستند. همان‌گونه که در جدول ۱۶ مشاهده می‌شود همه این افراد در انتخاب نام جدید به سوی جنبه‌های بسیار مثبت روی می‌آورند.

بهرام جاوید و محسن مهلوجی (۱۹۹۸) هنگام انجام تحقیقات پزشکی در استان فارس به یک سری نامهای خانوادگی بسیار جالب و عجیبی برخوردند که تا به حال نشنیده بودند؛ مانند: الاغی، شش و هشت، نوشیدنی، زنده به گور، آب در جگر، یعقوب دوسر و غیره. اما اگر بپذیریم که زبان‌مندان قطب مثبت متضاد را برای نامیدن برمی‌گزینند این سؤال پیش می‌آید که انتخاب این نامها (نام خانوادگی) بر چه اساسی انجام شده است؟

می‌دانیم که اولین ادارهٔ سجل احوال در سال ۱۲۹۷ تأسیس شد و ایرانیان تا قبل از آن نام خانوادگی نداشتند و نامیدن فرد را به وسیلهٔ اضافه کردن نام پدر به نام فرزند انجام می‌دادند. مانند علی محمد، یعنی علی پسر محمد. یکی از اقداماتی که در آن زمان به تبعیت از کشورهای فرنگ انجام شد این بود که دستور داده شد همهٔ مردم برای خودشان یک نام فامیل انتخاب کنند تا برایشان سجل - که در آن زمان یک ورقه کاغذ بود - صادر شود. مردم این امر را جدی نگرفته و بسیاری نامهای مسخره برای خود انتخاب کردند و یا دیگران این شهرت را برای آنها تثبیت کردند. بعضی از افراد لقبی را که در محل به آن شهرت داشتند به عنوان نام انتخاب کردند. به نظر می‌رسد نامهایی مانند خرچنگی، خرکی، یعقوب دوسر، کوسه و غیره دارای چنین منشئی باشند. بعضی نام شهر یا محل خود را انتخاب کردند مانند تهرانی، شیرازی، اصفهانی و... بعضی‌ها را با شغلشان نامیدند، مانند دباغ، زارع، صراف، نجاریان.

در واقع افرادی که نامهای نامناسبی داشتند، چون افراد بی سواد و مسنی بودند، متوجه عواقب این نامها نبودند، در آن زمان روابط اجتماعی در سطح بسیار پایین و محدودی بود و حساسیت این موضوع درک نمی‌شد؛ ولی وقتی شناسنامه صادر شد و اهمیت قانونی خود را تثبیت کرد و فرزندان آنها وارد مدرسه شدند مشکلات آنها آغاز گردید. چون بچه‌های دیگر، فرزندان آنها را به باد تمسخر می‌گرفتند. به هر حال نام فامیل بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد که فرد به‌طور موروثی از پدر خود به ارث

می‌برد و نسل به نسل منتقل می‌شود. اما نام کوچک فرد هم مسیر تقریباً مشابهی را طی کرده است. افرادی که دارای نامی بودند که به نوعی بیانگر جنبه منفی و نامناسبی بوده، به تغییر آن مبادرت می‌کنند. تنها نامی که معنای کوچکی را منتقل می‌کند و هنوز هم در سطح بسیار محدودی وجود دارد نام صغرا در دختران (۱۰ مورد در کل استان اصفهان با درصد فراوانی ۰/۰۸) و علی اصغر یا اصغر در پسران (۱۳۸ مورد در کل استان اصفهان با درصد فراوانی ۱/۱۴). به نظر می‌رسد دلیل زنده ماندن این نامها به دو دلیل باشد: اول اینکه هر دو جنبه مذهبی دارند و دوم آنکه این نامها به دلیل عربی بودن از نظر معنایی برای مردم عادی شفاف نیستند (۲ / ص ۳۸). تعداد افرادی را که در سال ۱۳۶۵ تغییر نام داده‌اند ۷۳۵۰ مورد و در سال ۱۳۷۳، ۱۰۳۶۶ مورد گزارش داده‌اند. طبق آمار ۱۴۷ نفر از مهرماه تا دی‌ماه ۱۳۸۰ در استان اصفهان برای تغییر نام خود اقدام کرده‌اند که خوشبختانه اسامی آنها و نامهای جدیدی که برگزیده‌اند از طریق اداره کل ثبت احوال استان اصفهان در اختیار ما قرار گرفت. بررسی این نامها می‌تواند دیدگاههای بسیار جدیدی در مورد تحولات فرهنگی جامعه در اختیار ما بگذارد.

در این بخش تغییرات معنایی نام را به‌طور جداگانه در مورد پسران و دختران پی می‌گیریم. از آنجایی که میرخلیل‌زاده اسامی ۱۵۰۰ زن و مرد را فهرست کرده است ما با استفاده از فهرست او و نامهای تغییر یافته در استان اصفهان این بخش را سازماندهی کرده‌ایم. جدولهایی در این موارد تهیه شد که به دلیل اختصار از آوردن آنها صرف نظر کردیم.

الف: تحولات معنایی در نام پسران

نامهایی که با کلمه «غلام» و «عبد» ساخته شده‌اند: این مورد کاهش بسیار زیادی را نشان می‌دهد (۱/۹۳ درصد به ۰/۱۴ درصد کل جمعیت)

از سوی دیگر آماری در دست است که بعضی از افراد که نامشان با کلمه غلام و عبد همراه بوده است در سال ۱۳۸۰ اقدام به تغییر نام خود کرده‌اند تعداد آنها از مهرماه تا دی‌ماه ۱۱ مورد بوده است. مانند: غلامرضا به رضا و غلام به فرزاد.

تحلیل علت کاهش این نوع نامها با کلمه عبد و غلام با توجه به آنچه لاینز در مورد قطیبت در زبان مطرح کرده، بسیار ساده است. کلمات «عبد و غلام» دارای معنای منفی بنده، برده و اجیر هستند (فرهنگ عمید) بنابراین حذف آنها منطقی به نظر می‌رسد. اما

مسأله جالب اینجاست که در سه دهه قبل و پیشتر از آن غلام و عبد بودن نه تنها معنای منفی نداشته، بلکه یک افتخار محسوب می شده است و افراد با افتخار نام فرزند خود را غلامعلی، غلامحسین و... می گذاشتند.

نامهایی که با کلمه «قلی» ساخته شده‌اند: این نوع نامها در مقاله میرخلیلزاده فقط دو مورد (امیرقلی ۱ مورد و حسینقلی ۱ مورد) بوده است، ولی بر اساس آماری که از مهرماه تا دی ماه سال ۱۳۸۰ در دست است تعداد ۱۵ نفر برای تغییر نام خود اقدام کرده‌اند، مانند: حسینقلی به حسین و علی قلی به علی. جالب اینجاست که در استان اصفهان در سال ۱۳۷۷ حتی یک مورد هم این کلمه در ساخت نام دیده نشد. این کلمه ریشه ترکی دارد و به معنی «غلام» است. به نظر می رسد دلیل حذف آن در نامهای کنونی مشابه کلمات «غلام و عبد» باشد.

نامهایی که با کلمه «امیر» و «میر» ساخته شده‌اند: تعداد ۱۳ مورد نام مرکب با امیر در میان ۱۵۰۰ نفر مشاهده شد که ۸۶/۰ درصد را به خود اختصاص داده است. در استان اصفهان در سال ۱۳۷۷، ۳۱ نام استخراج شد که مربوط به نام ۱۵۴۲ نفر می شود و ۵/۰۰۵ درصد را به خود اختصاص داده است.

همانگونه که مشخص است نامهایی که با «امیر» ساخته شده‌اند (موردی به صورت مخفف آن یعنی «میر» دیده نشد) درصد بسیار بالایی را نسبت به قبل نشان می دهند. در واقع کلماتی که قبلاً با کلمه عبد یا غلام ترکیب می شدند، امروزه با کلمه «امیر» ترکیب می شوند. به طور مثال «عبدالعلی» و «غلامعلی» جای خود را به «امیرعلی» داده‌اند. بدین ترتیب شاهد تحول فرهنگی مهمی در جامعه هستیم. یعنی عبد و غلام و قلی که هر سه دارای جنبه منفی «کوچک و حقیر بودن» هستند از زمره تک واژه‌های نام ساز خارج شده‌اند یا در حال حذف شدن از ساخت نام هستند؛ برعکس مردم به جنبه‌های مثبت روی آورده‌اند چرا که «امیر» به معنای «فرمانده» دارای معنای مثبت است.

نامهایی که با کلمه «علی» ساخته شده‌اند: ۲۲ مورد نام به همراه کلمه «علی» در میان ۱۵۰۰ نفر مشاهده می شود که مربوط به ۵۱ نفر و درصد فراوانی ۳/۴ می باشد. در استان اصفهان ۲۵ مورد مربوط به ۲۱۶۵ نفر و درصد فراوانی آن ۷/۰۲ می باشد. علاوه بر زیاد شدن نامهایی که با استفاده از نام «علی» ساخته شده‌اند مسأله بسیار جالبی در میان نامها به چشم می خورد و آن این است که در گذشته علاقه به حضرت «علی» تجلی دیگری داشت و بدین ترتیب که والدین به میمنت تولد فرزندشان در هر ماه قمری که فرزندشان

به دنیا می‌آمد نام آن ماه را به کلمه علی اضافه می‌کردند، مانند: رضاعلی، محرمعلی، رجبعلی، صفرعلی، شعبانعلی و حتی این ماههای قمری را به تنهایی نیز بر فرزند خود می‌نهادند مانند رمضان، رجب و... اما امروزه این نوع نامگذاری بسیار نادر شده است. حتی نامهای عجیبی مانند بزعلی، گرگعلی، زلفعلی، حواسعلی، پنجعلی نیز در میان مردم مشاهده می‌شد که همگی کاربرد خود را از دست داده‌اند و بر عکس شاهد تلاشهایی در زمینه حذف این عناصر از نام هستیم.

نامهایی که با کلمه «محمد» ساخته شده‌اند: در استان اصفهان نامهای ترکیب شده با «محمد» ۴۱۰۴ نفر و ۲۱/۵۳ درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

علاوه بر افزایش درصدی از نظر تعداد و نفرت، مسأله‌ای که در این قسمت جالب به نظر می‌رسد این است که در گذشته نام محمد بیشتر به همراه نامهای ائمه دیگر بوده است بجز مثلاً نورمحمد، گل محمد، رادمحمد. ولی امروزه نام محمد نه تنها به همراه نام ائمه می‌آید مانند محمدرضا، محمدصادق و... بلکه حتی به همراه نام پیامبران دیگر نیز مشاهده شده است. از جمله این ترکیبات نام محمد مسیح، محمددانیال بوده است که در استان اصفهان به چشم خورده است. مورد دیگر این است که نام محمد با بسیاری از کلمات که جزء اسامی واژگانی هستند و معنای توصیفی دارند همراه شده است مثل محمدکمال، محمدشکیب، محمدپویا، محمدپارسا، محمدنوید و...

دلیل تنوع بسیار زیاد نامهایی که با کلمه «محمد» ساخته می‌شوند چیست؟ آیا فرد نام محمد را به تنهایی کافی نمی‌داند و به دنبال آن بخش دیگر از امیال و آرزوها و صفات پسندیده را همراه می‌کند؟ به نظر می‌رسد این امر به جذابیت و زیبایی نام می‌افزاید و حس تجددطلبی و اعتباریابی افراد را ارضا می‌کند.

نامهایی که با کلمه «الله» ساخته شده‌اند: کاهش بسیار زیادی را در نامهایی که با «الله» ساخته می‌شوند، شاهد هستیم. با توجه به آماری که تا به حال ارائه دادیم نمی‌توان گفت که روحیه مذهبی مردم کم شده است، ولی به نظر می‌رسد کلمه «الله» که نام مقدسی است دیگر جذابیت خود را در نام از دست داده است و مردم اشاره صریح به آن را در نام نمی‌پسندند و یا اینکه آن را مقدس‌تر از آن می‌دانند که در ساخت نام از آن استفاده کنند! این موضوع در مورد زرتشتیان ایران صدق می‌کند، آنها نامهای مقدس در دینشان را بر روی فرزندان خود نمی‌گذارند تا در هنگام خشم و ناراحتی نسبت به آنها بی‌احترامی نکنند. البته به نظر نمی‌رسد که این موضوع دلیل کاهش بسیار زیاد این نامها باشد. همین

مسأله در مورد نامهایی که با «الدین» ساخته می‌شوند نیز دیده می‌شود فراوانی ۰/۰۸ درصدی آنکه مربوط به ۱۰ نام و ۲۶ نفر می‌باشد نشان دهنده کم‌توجهی به این نوع اسامی در استان اصفهان است.

ب: تحولات معنایی در نام دختران

در نام دختران به‌طور کلی کلماتی مانند بی‌بی، خاتون، حاجیه، خانم، بیگم و تاج حذف شده است. تعداد این نامها ۲۰ نفر و ۱/۳۳ درصد فراوانی آن است. این نوع نامها نه تنها از زبان فارسی امروز حذف شده است (فقط یک مورد «خانم‌جان» در شهرستان چادگان و یک مورد «بی‌بی گل» در اصفهان مشاهده شد) بلکه حتی افرادی که دارای این نوع نامها هستند جهت تغییر نام خود اقدام می‌نمایند. جدول ۱۸ تعدادی از این اسامی را که در سال ۱۳۸۰ در اصفهان تغییر یافته‌اند، نشان می‌دهد.

جدول ۱۷- نامهای همراه با «بی‌بی»، «خاتون»، «بیگم» و «تاج» در میان ۱۵۰۰ نفر

ردیف	نام	تعداد	ردیف	نام	تعداد
۱	بی‌بی حمیده	۱	۱۱	حلیمه خاتون	۱
۲	بی‌بی زکیه	۱	۱۲	زبیده خاتون	۱
۳	بی‌بی زهرا	۱	۱۳	فاطمه خاتون	۱
۴	بی‌بی فاطمه بیگم	۱	۱۴	بی‌بی فاطمه بیگم	۱
۵	بی‌بی مریم	۱	۱۵	سعیده بیگم	۱
۶	بی‌بی ناهید	۱	۱۶	عزیزه بیگم	۱
۷	بی‌بی نجمه	۱	۱۷	فاطمه بیگم	۱
۸	زهرا بی‌بی	۱	۱۸	مریم بیگم	۱
۹	آمنه خاتون	۱	۱۹	سیمین تاج	۱
۱۰	آمنه خانم	۱	۲۰	گوهر تاج	۱

جدول ۱۸- تغییر نامهای زنان در استان اصفهان ۱۳۸۰

ردیف	عنصر مورد نظر	اسم قبلی	اسم فعلی	ردیف	عنصر مورد نظر	اسم قبلی	اسم فعلی
		بی بی طلا	مریم		خانم جان	فاطمه	
۱	بی بی	حاجیه بی بی	فاطمه	۵	خانم	مریم	
		(۲ مورد)	سمیه		خانم سلطان	فاطمه	
		بی بی خانم	مریم		بی بی خانم	مریم	
۲	طلا	تاج طلا	زهرا		عفت خاتون	عفت	
		بی بی طلا	مریم	۶	خاتون	نرگس خاتون	نرگس
		حاجیه بی بی	فاطمه، سمیه		سمیه خاتون	سمیرا	
۳	حاجیه	حاجیه بیگم	نسرین		تاج طلا	زهرا	
		راضیه بگم	ظاهره	۷	تاج	قمر تاج	نهمیه
۴	بیگم	بگم	مریم، زهرا				
		حشمت بیگم	حشمت السادات				

برعکس عناصری مثل غلام و عبد که در نام پسران به دلیل انتقال معانی منفی در حال حذف شدن هستند عناصری مانند بی بی، خاتون، خانم، بیگم و تاج منتقل کننده معنای مثبت هستند. کلمه «بی بی» به معنای خاتون، زن نیکو، کدبانو و نیز مادر بزرگ و جدّه است. امروزه این کلمه فقط به معنای مادر بزرگ - آن هم نه در همه جا - به چشم می خورد و یا کلمه «بیگم» یا «بگم» به معنای خانم، بانو و خاتون کلمه‌ای است ترکی که مرکب است از کلمه «بیگ» به معنی بزرگ و سرکرده و «م» ضمیر اول شخص در زبان ترکی که در کل به معنی «بیگ من» می باشد. کلمات خانم و خاتون هم به معنای کدبانو و زن بزرگ است. اما موارد کاربرد این کلمات به این ترتیب بود که اگر در گذشته (البته نه در همه موارد) مادر طفلی که به دنیا می آمد سید بود و پدر سید نبود دختر را بیگم و یا با ترکیباتی از بیگم می نامیدند. مانند: بی بی فاطمه بیگم و مریم بیگم و پسر را «میرزا» نام می نهادند، مانند: میرزا ایدالله و اگر پدر فرزند دختر، سید بود گاهی حتی نام او را با کلمه

«آغا» می‌آوردند مثل قمرآغا و عصمت‌آغا. ولی امروزه نام این افراد را با کلمه سادات یا سیده می‌آورند. در واقع این نوع علایم زبانی که با نام همراه می‌شدند نتیجه تأثیر مستقیم فرهنگ بر زبان بوده است، چون مشخص بودن این افراد برای جامعه مهم بود و نحوه برخورد افراد دیگر را با آنها تعیین می‌کرد، افراد بیشتر اصرار داشتند که دیگران این القاب را با نامشان بیان کنند. اگر به‌طور مثال نام فردی زهرا بیگم بود و او را زهرا می‌نامیدند ناراحت می‌شد و این را حمل بر بی‌احترامی نسبت به خود می‌کرد، در صورتی که امروزه همراهی این کلمات با نام فرد به نوعی نشان‌دهنده عقب‌ماندگی فرد است، به همین دلیل دیگر از این اصطلاحات استفاده نمی‌شود و به جای آن از سید یا سیده استفاده می‌کنند که آن هم در بیشتر مواقع در شناسنامه فرد حضور دارد و در هنگام صدا زدن فرد به ندرت به کار می‌رود.

به هر حال در گذشته گرایش مردم بیشتر به سمت نهادینه کردن ادب، احترام و قدرت در نامهای دختران بوده است. به‌طور مثال نامهای احترام، محترم، شوکت، فخری، عالی، عظیمه، افتخار، ایران، سلطنت، سلطان، شایسته، عزت، فخرالزمان و... از جمله نامهایی است که مفهوم قدرت و عظمت را منتقل می‌کند. اما امروزه همه این نامها متروک شده‌اند، نامهایی هم که با کلمات بی‌بی، خانم، خاتون، حاجیه و تاج بوده‌اند نیز می‌توان گفت از زبان حذف شده‌اند. علاوه بر این مفاهیم در گذشته محبت و علاقه نیز به‌وسیله کلمه «جان» با نام مطرح می‌شد به‌طور مثال در استان اصفهان در سال ۱۳۸۰ افراد زیر اقدام به تغییر نام کرده‌اند:

خانم جان، ماهی جان، بداقاجان، صاحب‌جان به ترتیب به فاطمه، ناهید، هانیه و زهرا تغییر نام یافته‌اند.

انتخاب نام پسران و دختران، فردگرایی یا جمع‌گرایی

یکی دیگر از گرایشهای جدید در نامگذاری، انتخاب نامهای جدید و منحصر به فرد است. در گذشته بیشتر بزرگترهای فامیل مثل پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها نام را انتخاب می‌کردند و آنها هم که معمولاً افراد بی‌سواد یا کم‌سوادی بودند و مجموعه نامهای بسیار محدودی در اختیار داشتند، در بسیاری از مواقع نامهای تکراری مذهبی بر روی

فرزندان و نوه‌هایشان می‌گذاشتند. این مسئله بچه‌ها را در مدرسه دچار مشکل می‌کرد، چون نام و نام‌خانوادگی دو دختر عمو یا... کاملاً شبیه هم می‌شد و معلم برای تشخیص آنها می‌بایست نام پدر آنها را فوراً بعد از نامشان ذکر می‌کرد. حتی گاهی پدربزرگ‌ها نام خودشان را بر روی نوهٔ پسری‌شان می‌گذاشتند تا اسمشان زنده بماند!

اما امروزه با پیشرفت جامعه و باسواد شدن پدر و مادرها دیگر نظر پدربزرگ و مادربزرگ مانند گذشته تعیین‌کننده نیست. پدر و مادرهای باسواد مجموعه لغات و امکانات زبانی وسیعتری در اختیار دارند و در اکثر مواقع خود نام را انتخاب می‌کنند. به همین جهت بسیاری از کلماتی که قبلاً به‌عنوان نام مطرح نبودند، وارد این حوزه شدند و شایستگی این امر را پیدا کردند که به‌عنوان نام انتخاب شوند. چریس لنینگ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای ضمن مقایسه نامهای انگلیسی‌زبانان در قرن شانزدهم و بیستم چنین تغییری را در جامعه انگلیس هم ذکر می‌کند.

او مجموعه نامها را تحت عنوان مخزن نام^۱ می‌نامد و معتقد است این مخزن در قرن بیستم بسیار بزرگتر از مخزن قرن شانزدهم است و اینکه «ما امروزه در قرن بیستم تمایل طبیعی مان برای انتخاب نامی است که با نامهای دیگر متفاوت باشد تا بدین وسیله بر تفاوت خود با دیگران تأکید کنیم. اما در گذشته بر عکس نامهای مشترک و عام در خانواده و اجتماع انتخاب می‌شد تا بیانگر پیوندهای خانوادگی و اجتماعی آنها باشد.»

به نظر می‌رسد چنین مسأله‌ای در انتخاب نام در خانواده‌های جوان ما نیز صادق است. به طوری که نامهای نامأنوس و جدید حتی گاهی باعث تعجب انسان می‌شود (مانند کلمه «آیا» به‌عنوان نام) به هر حال شاید بتوانیم بگوییم هر چه نام نامأنوس‌تر باشد، شخص بیشتر احساس متفاوت بودن و بزرگ بودن می‌کند و احساس می‌کند از این موضوع اعتبار و حیثیت بیشتری برای خود کسب می‌کند.

البته اثبات این موضوع به وسیله آمار و اسناد معتبر کار بسیار مشکلی است، ولی توجه اجمالی به نحوه نامگذاری در خانواده‌های جوان تا حد بسیار زیادی نظر لنینگ را در جامعه ما تأیید می‌کند.

نتیجه گیری

نام به عنوان یکی از جلوه گاههای تأثیر فرهنگ بر زبان می تواند سیر تحول فکری و اجتماعی جامعه و فرد را به خوبی نمایان سازد. زبان این کار را با کاهش، حذف یا رواج عنصر زبانی خاص انجام می دهد.

۱- امروزه نام از قطب مثبت جفت متضاد انتخاب می شود، اما در گذشته دقت و توجهی که امروزه در انتخاب نام کوچک و حتی نام خانوادگی می شود، مطرح نبوده است به طوری که بسیاری از جنبه های منفی در نام نهادینه می شد و برای مردم هم مطرح نبود؛ به دلیل گسترده شدن تعاملات اجتماعی مردم بیشتر به نام خود حساس شدند. با افزایش سطح تحصیلات در جامعه به خصوص ارتباط با جهان خارج و بالارفتن سطح تفکر مردم، تجددطلبی و اجتماعی شدن تغییرات اساسی و مهمی را در امر نامگذاری می طلبد، در این راستا مردم مذهبی ایران طی تغییراتی که در نحوه نامگذاری فرزندان خود به وجود آوردند، در جهت حفظ ارزشهای گذشته و کسب ارزشهای جدید که لازمه اجتماعی شدن و افزایش تعاملات بین فرهنگها بود، گام برداشتند و حاصل این تلاشها تغییراتی است که در نامهای زبان فارسی شاهد هستیم.

۲- زبان با حذف کلماتی مانند عبد، غلام، قلی از ترکیب نام به اصل کرامت انسان که یک اصل اسلامی است بر می گردد که انسان نباید بنده هیچ کس به جز خدای یگانه باشد. کاربرد این نوع کلمات در گذشته در رابطه با بزرگان دین یک ارزش تلقی می شد ولی امروزه یک ضد ارزش تلقی شده و به سرعت در حال حذف شدن از مجموعه نامهای فعال زبان است. اگر بخواهیم به بیان کاربردشناسی و با اصول ادب لیچ (132 / P. 8) سخن بگوییم در گذشته اصل تواضع^۱ بر این نوع نامها حاکم بود. بر اساس این اصل که اصلی خود-مبناست^۲ شخص تعریف و تمجید از خود را به حداقل می رساند و برعکس مطالبی بر خلاف نفع شخصی خود می گوید و حتی در این کار اغراق می کند. به نظر می رسد نامهایی مانند عبدالعلی، غلامعلی، حسین قلی و... در گذشته به این منظور به کار می رفتند. اما امروزه با کاربرد رو به افزایش نامها با کلمه «امیر» مردم اصل دیگری را به کار می گیرند که لیچ آن را اصل تحسین و تکریم^۳ می نامد. در این اصل که اصلی دیگر-

1- modesty maxim

2- self-oriented

3- approbation maxim

مبناست^۱ فرد توجه خود را به دیگران معطوف می‌کند و بر میزان تعریف و تمجید از او می‌افزاید. به نظر می‌رسد کاربرد کلمه «امیر» به همراه «نام» در راستای این اصل است. در واقع به جای بندگی (جنبه منفی نسبت به خود) به بزرگی و عظمت (جنبه مثبت طرف مقابل) توجه می‌شود.

اگر بخواهیم از منظر اصول جهانی ادب برون - لوینسن* (۱۹۸۷) این تغییر فرهنگی را تحلیل کنیم، می‌توانیم بگوییم در گذشته فرد نسبت به حفظ وجهه (فرزند) خود حساسیت نداشت حداقل در مقابل بزرگان دینش حتی زیر پا گذاشتن وجهه منفی^۲ (دفعی) خود را ارزش تلقی می‌کرد، ولی امروزه با حذف عناصر منفی از نام در صدد حفظ وجهه منفی (دفعی) خود بر آمده است و با همراه کردن عناصر مثبت در نام (مانند امیر) به تقویت وجهه خود می‌پردازد. جالب اینجاست که در هر دو مورد این ادب منفی^۳ (دفعی) است که تجلی می‌یابد؛ یعنی به ایجاد فاصله بین خود و طرف مقابل می‌پردازد؛ در مورد اول با زیر پا گذاشتن وجهه خود وجهه پیشوایش را بالا می‌برد و ارادت خالصانه خود را به وی نشان می‌دهد و در مورد دوم با بیان صریح عظمت و بزرگی مولایش بدون اینکه درباره خود چیزی بگوید به تقویت وجهه وی می‌پردازد. به احتمال زیاد این تحول فرهنگی به دلیل تحولات و پیشرفتهای اجتماعی در جامعه کنونی ایران به وجود آمده است (به قول لاینز همان معنای اجتماعی^۴ زبان). در هر حال به نظر نمی‌رسد این امر خللی به ارادت فرد به مولایش وارد کرده باشد.

حذف کلمات مؤدبانه و احترام‌آمیز که با نامهای دختران همراه بوده است نیز در جهت اصل تواضع لیج می‌باشد، یعنی فرد نمی‌خواهد که خودش به خودش بگوید نام من خانم جان، خانم بس و... است. این نوع نامها آشکارا برخلاف اصل تواضع هستند به همین دلیل نیز حذف شده‌اند. به بیان برون لوینسن می‌توانیم بگوییم این تحول در نام

1- other-oriented

* - در چهارچوب اصول جهانی ادب برون - لوینسن هر فرد دارای دو نوع وجهه (Face) است. وجهه جذبی و وجهه دفعی. وجهه جذبی عبارت است از ارضای نیاز هر فرد به اینکه خواسته‌های او مورد تأیید و علاقه دیگران باشد و بر همین اساس با دیگران رابطه نزدیکتری برقرار می‌کند ولی در وجهه دفعی نیاز انسان به آزادی عمل ارضا می‌گردد و اینکه کسی او را مجبور به انجام کاری نکند و بر همین اساس فاصله خود را با دیگران بیشتر می‌کند و بر همین اساس نیز دو نوع ادب جذبی و ادب دفعی شکل می‌گیرد.

2- negative face

3- negative politeness

4- social meaning

دختران - که در رابطه با پیشوایان دین نبوده است - تقویت وجهه را صرفاً به حفظ وجهه تبدیل کرده است. بدین ترتیب مشخص می شود که گرایش فارسی زبانان به حذف این مفاهیم از ساختار معنایی نام دختران است و بیشتر تمایل دارند که نامهای دختران از نظر ادب، احترام، محبت و قدرت خنثی باشد. ادب و احترام امروزه با لقب «خانم» که قبل از نام کوچک (یا بعد از آن) و نام خانوادگی می آید مطرح می شود. فرض کنید بخواهیم کسی را که نامش «خانم جان» است با لفظ خانم که امروزه متداول است (احتمالاً به تبعیت از القاب محترمانه انگلیسی مانند Miss, Mrs) بنامیم «خانم خانم جان» ترکیب نامناسبی به دست می دهد که به هیچ روی در جامعه قابل پذیرش نیست.

۳- روحيات مذهبي در انتخاب نام پسر تعيين کننده تر از نام دختران عمل کرده است. در نام دختران بعد از اسامي مذهبي جنبه های واژگانی و زیباشناختی (آوایی و معنایی) نام بیشتر مد نظر بوده است.

۴- در نام پسران گرایش به سوی ترکیبی شدن نام است. نامهای جدید از نام پیامبر و یا یکی از ائمه به همراه کلماتی که بار معنایی مثبت و ایده آلی دارند، ساخته می شوند. بدین ترتیب نیازهای جدید فرهنگی جامعه یعنی نیاز به مذهبی بودن و در عین حال جدید و به روز بودن برطرف و اغنا می گردد. در صورتی که برای دختران نامهای تک کلمه ای ترجیح داده می شود و آنچه نیاز به تجدد را ارضا می کند با ساختار موسیقایی نام اعاده می گردد (به خصوص با مختوم شدن به «ā» که افزایش بیشتری را نسبت به قبل از خود نشان می دهد).

۵- با توجه به سیر نامگذاری در فرزندان یک خانواده می توان سیر تحولات ظریف فرهنگی را در آن خانواده ردیابی کرد.

۶- بررسی نامی که فرد برای نامیدن فرزند خود انتخاب می کند می تواند بیانگر روحیه فردگرایی یا جمع گرایی او نیز باشد. در گذشته افراد نامهای رایج به خصوص نامهای مطرح مذهبی را انتخاب می کردند و برایشان مطرح نبود که آن نام در فامیل نزدیک آنها نیز وجود دارد، ولی امروزه روند نامگذاری برعکس شده است. به خصوص خانواده های جوان سعی می کنند نامی انتخاب کنند که حداقل در میان فامیل نزدیک وجود نداشته باشد. بدین ترتیب فرد با انتخاب نامهای متفاوت، متفاوت بودن خود را با دیگران به نمایش می گذارد.

بدین ترتیب روند نامگذاری از سه دهه قبل تا به حال تحولات چشمگیری را از خود نشان می دهد که خود ریشه در تحولات فرهنگی جامعه زبانی دارد. تحولاتی که

زبان به خوبی منعکس‌کننده آن است. نام به‌عنوان یک نشانه حامل اطلاعات و پیامهای مهم فرهنگی است و با موشکافی و بررسی عمیق آن می‌توان سیر تحولات فکری فرد و جامعه را مطالعه و حتی پیش‌بینی کرد.

با تشکر فراوان از اداره کل ثبت احوال استان اصفهان که
جدیدترین اطلاعات را در اختیار ما گذاشتند.

منابع

- ۱- آرتور، آنتونی. درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲- بخشوده، ابراهیم. فرهنگ نامگذاری، انتشارات محقق، ۱۳۷۹.
- ۳- عمید، حسن. فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹.
- ۴- میرخلیل‌زاده ارشادی، بابک. «مقایسه تنوع نامهای زنان و مردان ایرانی»، مجله زبان‌شناسی، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۲، تهران، ۱۳۷۵.
- ۵- نیلی‌پور، مهدی. نام و نامگذاری، مرکز فرهنگی شهید آیت‌الله مدرس، ۱۳۷۸.
- 6- Brown, P. & Levinson, S. (1987). *Politeness, Some Universals in Language Usage*.
- 7- Laning, Chris. (2000). *Faire Names For English Folk: Late Sixteenth Century English Names*, SCA. Christian de Holacombe.
- 8- Leech, Geoffrey. (1983). *Principles of Pragmatics*. Longman Singapore Pulishers. pte Ltd.
- 9- Lyons, John. (1977). *Semantics*. Vol, 1, Cambridge University Press.
- 10- Lyons, John. (1995). *Linguistic Semantics, An Introduction*. Cambridge University.
- 11- Mahloudji, Mohsen and Bahram Javid. (1998). Enoughdaughters, [http: www.iranian.com/ Features/Aug 98/ Names](http://www.iranian.com/Features/Aug 98/ Names).